

کاربرد واژگان در رمان سمفونی مردگان «عباس معروفی» از منظر زبان و جنسیت*

ناصر ناصری**

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی خوی (نویسنده مسئول)

سکینه شرافتی***

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی خوی

چکیده

زبان از عناصر بنیادی در داستان‌نویسی به شمار می‌رود. یکی از مباحث مهم در بررسی زبان، توجه به جنسیت و رابطه آن با زبان اثر است. بسیاری از پژوهشگران معتقدند میان زبان و نوشتار زنان و مردان تفاوت زیادی وجود دارد. هدف اصلی در پژوهش حاضر تفاوت‌های زبانی زنان و مردان در حوزه کاربرد واژگان از منظر زبان و جنسیت در رمان سمفونی مردگان اثر عباس معروفی است. در این مقاله اهتمام نگارندگان بر آن است تا تفاوت‌های واژگان به کاررفته در زبان زنان و زبان مردان در رمان سمفونی مردگان شامل متغیرهایی چون رنگ‌واژه‌ها، دش‌واژه‌ها (رکیک و غیررکیک)، سوگندواژه‌ها، تصدیق‌گرها، تعدیل‌کننده‌ها، کلام آمرانه و دستوری، صفات و واژگان عاطفی در مکالمات شخصیت‌های رمان با توجه به موازین علمی زبان‌شناسی، نقد و بررسی کند. عباس معروفی اگرچه در مواردی، زبانی متناسب با جنسیت قهرمانان خود خلق کرده، لیکن به دلیل عدم توجه به یافته‌های علمی زبان‌شناسان اجتماعی به خصوص زبان و جنسیت، در مواردی هم موفق به خلق زبانی متناسب با جنسیت قهرمانان خود نشده است.

واژگان کلیدی: عباس معروفی، سمفونی مردگان، جنسیت، زبان مردانه، زبان زنانه.

*تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۲/۰۶ تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۰۳

** E-mail: nasernasari43@gmail.com

*** E-mail: shahdehadab@gmail.com

۱- مقدمه

عباس معروفی داستان‌نویس، نمایشنامه‌نویس و روزنامه‌نگار معاصر در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۶ ه.ش. در سنگسر سمنان دیده به جهان گشود، تحصیلات خود را در دانشگاه هنرهای زیبای تهران در رشته ادبیات نمایشی به اتمام رساند. «معروفی نخستین مجموعه داستان‌اش را با نام *روبه‌روی آفتاب* در سال ۱۳۵۹ در تهران منتشر کرد و با انتشار رمان *سمفونی مردگان* در سال ۱۳۶۸ در عرصه ادبیات به شهرت رسید و در سال ۱۳۶۹ مجله ادبی *گردون* را پایه‌گذاری کرد و با توقیف مجله *گردون* در سال ۱۳۷۴ زمینه مهاجرت به کشور آلمان فراهم و سرانجام مقیم آنجا شد. در سال ۱۹۹۷ م. برنده جایزه جهانی «نویسندگان آزاده جهان» شد و در سال ۲۰۰۱ م. جایزه «بنیاد انتشارات ادبی- فلسفی سورکامپ» فرانسه را برای رمان *سمفونی مردگان* تصاحب کرد.» (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۸)

او فعالیت ادبی خود را زیر نظر هوشنگ گلشیری آغاز کرد و در زمینه داستان‌های روان‌شناختی نو قلم‌فرسایی کرد؛ قصه‌ای که در ادبیات انگلیسی به نام «قصه جریان سیال ذهن» یا «تک گفتاری درونی» خوانده می‌شود. رمان *سمفونی مردگان*، داستان تقابل دو برادر با عقاید و شخصیت‌هایی کاملاً متفاوت از جمله تقابل علم با جهل، مهربانی با تنفر و عشق با شهوت است و پدر خانواده با اعتقاد راسخ به افکار و عقاید سنتی خود و با انگیزه پدرسالاری، سعی دارد فرزندانش را متقاعد کند تا پیشه او را دنبال کنند اما یکی از پسرانش که فردی روشنفکر و مدرن‌گراست هرگز نمی‌تواند خود را با خواسته‌های پدر وفق دهد.

«زبان‌شناسی اجتماعی رشته‌ای است که در آن به ارتباط میان زبان و اجتماع و همچنین ارتباط میان کاربردهای زبانی و ساختارهای اجتماعی پرداخته می‌شود.» (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱) «و از جدیدترین رشته‌های زبان‌شناسی نوین است که از تلاقی زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی جوانه زده است و اصطلاحاً جامعه‌شناسی زبان گویند.» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۵) یکی از محورهای اصلی جامعه‌شناسی زبان موضوع جنسیت است که در زبان‌شناسی اجتماعی بدان پرداخته می‌شود. «اکثر محققان رشته‌های زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان و منتقدان فمینیست، بر این باورند که بین زبان زنان و مردان تفاوت‌های آوایی، واژگانی و نحوی وجود دارد.» (رضوانیان و ملک، ۱۳۹۲: ۴۵) «در اوایل قرن بیستم این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نبود. اما کم‌کم پس از انقلاب صنعتی و جنگ جهانی دوم از دهه ۶۰ به بعد مورد توجه قرار گرفت و برخی از محققان به وجود تفاوت میان کلام زنان و مردان پی بردند.» (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۰۱)

زبان‌شناسی جنسیت دارای ابعاد مختلفی است که آواها، واژگان و جملات را در بردارد. کاربرد این نمودها در زبان مردان و زنان متفاوت است. زنان و مردان هر جامعه عادات، حرکات و رفتارهای اجتماعی خاص خود را دارند. این تفاوت‌ها ممکن است در حالت عادی چندان جلب توجه نکند، اما ارتباط آن با جنسیت زمانی آشکار می‌شود که مردی به شیوه زنان راه برود، به‌مانند زنان بخندد و یا گریه کند. بسیاری از پژوهشگران جنسیت و زبان، عمدتاً بر دو رویکرد اصلی تمرکز دارند؛ در رویکرد اول، به تفاوت‌های زبان زنان و مردان می‌پردازند که در آن، غلبه و تسلط مردان و انقیاد و فرمان‌برداری زنان مطرح است که برگرفته از آثار و افکار لیکاف (LakeOff-1975) است ولی در رویکرد دوم، تفاوت خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی و ساختار بیولوژیکی مردان و زنان را دخیل می‌دانند.

در مورد سبب اصلی تفاوت میان رفتار زبانی مردان و زنان نظرات متفاوتی ابراز شده است. «گروهی تفاوت‌ها را نتیجه برخورد و آمیزش زبان‌های مختلف دانسته‌اند که به سبب برخوردهای نظامی- فرهنگی و... شکل می‌گیرد و یا از نتایج این گونه برخوردها بیشتر تأثیر می‌پذیرد.» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۰۸)

در طول تاریخ، مرد سازنده و شکل‌دهنده زبان و زن تنها یک عنصر زبانی بوده است که مرد ابعاد، غایات و اهداف آن را از پیش تعیین نموده است. به‌طوری‌که عبدالحمید در ارزیابی خود در این زمینه می‌نویسد: «بهترین گفتار آن است که بیانش مردانه و استوار باشد و درون‌مایه‌اش زنانه و لطیف.» (غدامی، ۱۳۸۷: ۱۷) واژگان و ساخت‌واژه از ملموس‌ترین سطوح هر زبان است که همواره محملی برای ظهور فرهنگ و اندیشه اجتماعی است. در پژوهش حاضر، مکالمات قهرمانان در رمان از حیث زبان و جنسیت در حوزه واژگان شامل متغیرهایی چون: دش‌واژه‌ها، سوگندواژه‌ها، رنگ‌واژه‌ها، تصدیق‌گرها و تعدیل‌کننده‌ها، کلام آمرانه و دستوری، صفات و واژه‌های عاطفی بررسی شده است و در پایان هر مبحث، تعداد هر یک از مشخصه‌ها در رمان مذکور به‌عنوان نتیجه‌گیری با ذکر ارقام در جدول مشخص گردیده است. شایان‌ذکر است شخصیت‌های اصلی این داستان پنج نفر است که سه نفرشان مرد و دو نفرشان زن هستند و از شخصیت‌های فرعی داستان پنج نفر مرد و سه نفر زن هستند که به‌طور نسبی می‌توان اذعان کرد شصت در صد گفتمان‌ها از زبان مردان و چهل درصد از زبان زنان صورت گرفته است و روش تحقیق بر مبنای تحلیل و آمارگیری در واژه‌ها و جنسیت بوده و جامعه آماری در این پژوهش، رمان سمفونی مردگان است.

۲- پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهش‌های قبلی که دربارهٔ زبان و جنسیت انجام گرفته است در حوزهٔ گفتار بوده و پژوهش‌هایی که بر روی متون انجام شده باشد، بسیار کم است. شاید دلیل این امر، این تصور باشد که تفاوت‌های زبانی که بین مردان و زنان وجود دارد با آن صراحت و آشکاری که در گفتار مشخص می‌شود، در نوشتار مشهود نیست اما انتظار می‌رود که تفاوت‌های جنسیتی، خود را در آثار فرهنگی، به‌خصوص رمان‌ها - که فرض ما بر این است که بین جنس نویسنده و زبان داستان ارتباط نزدیکی وجود داشته باشد - نشان می‌دهند؛ به عبارت دیگر **نوشتار زنانه** با **نوشتار مردانه** به دلیل تفاوت‌های جنسیتی که بین زنان و مردان وجود دارد، متفاوت باشد.

لیکاف نخستین کسی است که مسئلهٔ زبان و جنسیت را با ارائهٔ مقاله‌ای به نام «زبان و موقعیت زن» مطرح کرد، وی معتقد است زبان زنان از زبان مردان پست‌تر است زیرا شامل انگاره‌های ضعف و عدم قطعیت است و بر مطالب بی‌اهمیت و غیرجدی و واکنش‌های عاطفی تأکید دارد. در مقابل، گوتس (Gottes-۱۹۸۸) معتقد است مکالمات مردانه مانند سخنرانی‌ها اغلب یک نفره و یک‌جانبه و مکالمات زنانه بیشتر بر پایهٔ همکاری و مشارکت است.

مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی تحت تأثیر فمینیسم، از دههٔ شصت به صورت علمی و به‌عنوان نگرشی آگاهانه در عرصهٔ زبان‌شناسی مطرح شد و در مطالعهٔ زبان‌ها تحولات بنیادین ایجاد کرد، هرچند قبل از آن نیز مطالعات مردم‌شناسی و گویش‌شناسی که از قرن هفدهم میلادی آغاز شده بود به بررسی تفاوت‌های میان گویشوران مرد و زن پرداخته است.

پیشینهٔ تحقیقات در این مورد به اوایل دههٔ هفتاد قرن بیستم برمی‌گردد و پژوهشگران خارجی چون سایپر وورف (Whorf Sapir)، لیکاف (Lakoff)، تانن (Tannen)، گوم (Gom)، هولمز (Holmes)، کامرون (Cameron)، وست زیمرمن (West Zimmerman)، فرانسیسکو (Francisco) و ... به مطالعه در حوزهٔ زبان و جنسیت پرداختند و از پژوهشگران ایرانی می‌توان به مقالهٔ فریبا رفوگران (۱۳۷۷) تحت عنوان «نگاهی به تعریف زن و مرد» و کتاب مریم پاک‌نهاد (۱۳۸۱) با عنوان *فردستی و فرودستی در زبان و پایان‌نامهٔ محمدرضا فارسیان* (۱۳۷۸) با موضوع «جنسیت در واژگان در فیلمنامه‌ها» و محققان دیگری اشاره کرد که در اینجا به چند مورد از تحقیقات صورت گرفته اشاره می‌شود.

یحیی مدرسسی (۱۳۶۸) در کتابی تحت عنوان *درآمدی بر جامعه‌شناسان زبان* به تفاوت‌های زبان‌شناختی مردان و زنان و همبستگی جنسی با برخی متغیرهای تلفظی زبان پرداخته است و معتقد است هرچند عامل جنسیت در اصل جنبه بیولوژیکی دارد ولی عوامل اجتماعی نقش بسزایی در ساختار زبان زنان و مردان ایفا می‌کند.

معصومه عسگری (۱۳۷۵) در پایان‌نامه‌ای در دانشگاه علامه طباطبایی به سه متغیر تلفظی (جنسیت، تحصیلات، سن و سبک) در رفتار زبانی گویشوران فارسی و همبستگی آن‌ها با عوامل اجتماعی پرداخته است.

محسن جان نژاد (۱۳۸۰) رساله دکتری خود را در دانشگاه تهران با عنوان «پژوهش زبان‌شناختی اجتماعی و تفاوت‌های زبانی مردان و زنان ایرانی در تعامل مکالمه‌ای» نگاشته است و ۹ متغیر با عناوین میزان کلام، نوبت‌گیری و رشته کلام، قطع کلام، نقش حمایتی مکالمه‌ای، عبارات حاشیه‌ای، تصدیق‌گرها، صورت‌های پژوهشی و امری، اصطلاحات زشت و عبارات تحلیفی را مورد بررسی قرار داده است.

ویدا نوشین فر (۱۳۷۴) مقاله‌ای با عنوان «زبان، جنسیت و اجتماع» در دانشگاه فردوسی مشهد حدود ۴۰۰ واژه منتخب فارسی را صرف‌نظر از نشان مذکر یا مؤنث مورد تحلیل قرار داده است و به این نتیجه رسیده که در زبان فارسی واژگانی وجود دارد که علی‌رغم عدم هرگونه نشان مذکر یا مؤنث صرفاً به یکی از دو جنس دلالت می‌کند مثلاً صفت‌هایی چون مجرد، پهلوان، جوان، غیور، بی‌غیرت و ... اغلب برای مذکر دلالت دارد مگر در صورت خاص مثلاً دختر مجرد و زن بی‌غیرت و صفاتی نظیر زیبا، طناز، لطیف، ظریف و ... به جنس مؤنث دلالت دارد مگر در گفتار خاص مانند پسر لطیف.

عبدالحسین آق قلعه (۱۳۷۸) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را تحت عنوان «جنسیت و تفاوت واژگان در فارسی معیار در ادبیات داستانی معاصر» نوشته است و در آن به بررسی واژگان خاص جنسیتی در آثار چند تن از نویسندگان معاصر از جمله محمود دولت‌آبادی، سیمین دانشور، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، جمال میرصادقی و فریدون دوستار پرداخته است. وی اظهار می‌دارد هر یک از دو جنس مخالف از الفاظ و اصطلاحات خاص استفاده می‌کنند و از این طریق رفتارهای زبانی مختلفی از خود نشان می‌دهند.

بتول علی نژاد (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی شناختی مقولهٔ جنس در زبان فارسی» در دانشگاه کرمان به فراجنسیتی بودن زبان فارسی در کاربرد بیشتر واژگان و کنایات پرداخته است. وی معتقد است این ویژگی برای زدودن جنسیت‌گرایی بسیار مهم و کارساز است.

محمد رضا فارسیان (۱۳۷۸) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «جنسیت در واژگان» به بررسی چند فیلمنامه، از جمله فیلمنامهٔ «سارا» اثر داریوش مهرجویی به بحث واژگان جنسیتی پرداخته است و نتیجه گرفته است در زبان فارسی برخی از واژگان همچون عروسی، دامادی، نازی و ... جنسیت‌گرا هستند و اظهار می‌دارد تمایز بین زبان زنان و مردان ریشه در فرهنگ ما دارد. پژوهشگران دیگری چون: نجم‌آبادی (۱۳۷۷)، علی نژاد (۱۳۸۱)، نوشین فر (۱۳۸۱)، بهمنی و باقری (۱۳۹۱) نیز دربارهٔ جنسیت در زبان، مقالاتی نوشته‌اند و به پژوهش‌های زبانی زنانه و مردانه در زبان فارسی غنا بخشیده‌اند.

۳- بحث و بررسی تحلیل داده‌ها

۳-۱- دش‌واژه‌ها

دش‌واژه‌ها، واژه‌هایی زشت و خشن هستند که در عرف جامعه آوردن آن‌ها بر زبان، نشانهٔ بی‌ادبی و بی‌نزاکتی است و هراندازه این واژه‌ها زشت‌تر و دور از ادب باشند به‌طوری که در محافل عمومی و حتی خصوصی نتوان آن‌ها را بر زبان آورد، رکیک و رکیک‌تر محسوب می‌شوند. زبان‌شناسان معتقدند زنان، گرایشی ذاتی به استفاده از صورت‌های مهذب و مؤدبانه‌تر دارند زیرا فرآیند اجتماعی شدن آنان، ایجاب می‌کند از خود رفتار و گفتاری صحیح‌تر و اجتماعی‌تر نشان دهند و حتی الامکان از کاربرد دش‌واژه‌ها احتراز کنند و در صورت ناچاری از صورت‌های زشت و بی‌ادبانهٔ واژه‌ها (در مقابل صورت‌های رکیک) استفاده کنند و در مقابل، مردها میل بیشتری برای استفاده از دش‌واژه‌ها دارند و این میل از سنین پایین‌تر در آن‌ها به وجود می‌آید. این شرایط اجتماعی به مردان اجازه می‌دهد که از کلمات و عبارات «تابو» (کلماتی که در عرف زبانی آن‌ها را بد می‌دانیم) استفاده کنند. لیکاف اظهار می‌دارد که دختران و پسران از ابتدا یاد می‌گیرند که دو گونهٔ گفتاری داشته باشند. از این رو، به دختران یاد داده می‌شود که مانند خانم‌ها محترمانه صحبت کنند. بنابراین، «گفتار دختران بیشتر به گونهٔ مؤدبانه گرایش دارد تا گفتار پسران. در واقع، به زنان یاد داده می‌شود که مؤدب باشند تا گونه‌ای متفاوت با گونهٔ مردان را معرفی کنند». (لیکاف، ۱۹۷۵: ۲۵)

هولمز (۱۹۹۲) و آدامز (Adams-۱۹۸۹) اولین دلیل مؤدب بودن گفتار زنان را موقعیت پایین آن‌ها در جامعه می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که زنان بیشتر از مردان به موقعیت اجتماعی خود توجه می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند، از این رو مؤدب‌ترند. در واقع، زنان بین کاربرد زبان و شخصیت، رابطه‌ای مثبت قائل‌اند و فکر می‌کنند اگر از زبان معیار استفاده کنند، می‌توانند خود را به طبقات بالای اجتماعی نزدیک‌تر کنند. این نکته به این دلیل اهمیت دارد که در بسیاری از جوامع، زنان یا نقش اجتماعی ندارند یا در مقایسه با مردان از نقش‌های اجتماعی پایین‌تری برخوردارند، بنابراین سعی دارند تا از زبان معیار به منزله ابزاری برای مطرح کردن خود در جامعه بهره‌برداری کنند.

هولمز (۱۹۹۲) دومین دلیل مؤدب بودن زنان در مقایسه با مردان را در این مسئله می‌داند که جامعه از آن‌ها انتظارات بیشتری دارد. زنان الگوی رفتاری صحیح در جامعه هستند. جامعه استعمال واژه‌های زشت و مبتذل را از سوی مردان راحت‌تر از زنان قبول می‌کند. زنان امروز، مادران فردا و الگویی برای کودکان به حساب می‌آیند. به این دلیل، ویژگی‌های رفتاری زنان بیشتر و سریع‌تر در جامعه گسترش می‌یابد، چون جامعه بیشتر از زنان الگو می‌گیرد. از دلایل دیگری که معمولاً برای توجیه مؤدب‌تر بودن زنان ذکر می‌شود آن است که زنان در مقایسه با مردان برای حفظ حیثیت خود ارزش بیشتری قائل‌اند.

جدول ۱: میزان دش‌واژه‌ها در رمان سمفونی مردگان

جنسیت	نوع دش‌واژه	رکیک	غیررکیک	کل الفاظ رکیک و غیررکیک
شخصیت زن	۰	۱۲	۱۲	۱۲
شخصیت مرد	۸	۶۴	۸۲	۸۲
کل	۸	۷۶	۹۴	۹۴

داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که زنان با ۱۲/۷ درصد در مقایسه با مردان با ۸۷/۳ درصد از دش‌واژه‌های تابوی کمتری استفاده کرده‌اند. ناگفته نماند شخصیت‌های این رمان، افرادی عامی و بی‌سواد و متعلق به طبقات پایین اجتماعی هستند که در یک جامعه سنتی زندگی می‌کنند. معمولاً در جوامعی که سطح فرهنگی پایینی دارند، استفاده از دش‌واژه‌ها رواج بیشتری دارد؛ به همین دلیل کاربرد دش‌واژه‌ها در مکالمات شخصیت‌های این رمان زیاد است. مقایسه فراوانی دش‌واژه‌ها نشان

می‌دهد که میزان استفاده از آن‌ها در مکالمات مردانه به مراتب بیشتر از مکالمات زنانه بوده است، هم‌چنین مردان ۶۴ مورد از دش‌واژه‌ها را غیررکیک و ۱۸ مورد از آن‌ها را رکیک استفاده کرده‌اند و در مقابل، زنان فقط ۱۲ واژه غیررکیک به کار برده‌اند و از کلمه رکیک استفاده نکرده‌اند.

مقایسه نتایج این رمان با یافته‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد، دش‌واژه‌های رکیک و غیررکیک در مکالمات شخصیت‌ها، به‌درستی به کار برده شده است و نویسنده در ایجاد زبان خشن مردانه و زبان مؤدبانه زنانه، موفق بوده است. جهت پرهیز از اطاله کلام از آوردن جملات خودداری و به ذکر واژه‌ها و صفحه آن‌ها بسنده می‌شود.

نمونه‌هایی از دش‌واژه‌های این رمان:

الف: دش‌واژه‌های غیررکیک مردانه: مردکِه (۱۱)، نره غول (۲۰)، خنگ (۸۱)، کره خر (۱۱۴)، زنکه پتیاره (۳۰۷)، خبیث (۳۲۸)، احمق (۳۲۹)، الاغ (۳۴۵) و ...

ب: دش‌واژه‌های غیررکیک زنانه: مگر کری؟ (۲۰)، بی‌شرف (۲۲)، لامذهب (۱۰۳)، گور پدر ایاز (۲۰۲)، احمق (۳۲۹) و ...

در دش‌واژه‌ها به برخی واژه‌های زشت و خشن و دور از ادب (خیلی رکیک) در رمان مذکور برمی‌خوریم که به علت عفت قلم و شأن و منزلت شامخ مجله، از آوردن آن‌ها خودداری می‌شود چراکه این واژه‌ها در عرف و فرهنگ جامعه، نامتعارف می‌باشند و نشانه بی‌نزاکتی و بی‌ادبی به حساب می‌آیند.

۳-۲- سوگندواژه‌ها

سوگندواژه‌ها، کلمات یا عباراتی هستند که هر وقت گوینده، احتمال می‌دهد شنونده با دیده شک و تردید به سخنش می‌نگرد، آن‌ها را برای تأکید بیشتر به کار می‌برد. سوگندواژه‌ها می‌تواند هم شامل سوگند خوردن به مسائل دینی، مانند قسم به خدا، به حضرت عباس و الله و ... و هم شامل سوگند خوردن به چیزهای باارزش زندگی، مانند به جون خودم، به جون بچه‌هام، به جون مادرم و ... باشد.

یافته‌های پژوهش‌های زبان انگلیسی گوم (Gom-1981) نشان می‌دهد کاربرد سوگندواژه‌ها - برخلاف تصور عامه - در بین مردان بیشتر از زنان است. هم‌چنین «در زبان فارسی هم، یافته‌ها نشان می‌دهد کاربرد سوگندواژه‌ها در مکالمات تک جنسیتی بیشتر است». (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۲۱)

با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته در زبان فارسی و انگلیسی، انتظار می‌رود میزان استفاده از سوگندواژه‌ها در مکالمات مردانه، بیشتر از مکالمات زنانه باشد و این ویژگی در رمان مذکور مصداق دارد.

جدول شماره ۲ میزان سوگندواژه‌ها در رمان سمفونی مردگان

جنسیت	شخصیت زن	شخصیت مرد	کل
تعداد سوگندواژه	۳	۱۹	۲۲

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، مردان با ۱۹ سوگندواژه، نسبت به زنان با ۳ سوگندواژه، بیشتر قسم خورده‌اند و چون شخصیت‌های این رمان مردمانی عامی هستند، اغلب به مقدّسات دینی سوگند یاد کرده‌اند. بر اساس تحقیقات زبان‌شناسی که استفاده بیشتر مردان از سوگندواژه‌ها مورد تأیید قرار گرفته است، زبان شخصیت‌های این رمان به درستی به کار رفته است و نویسنده از این نظر توانسته است زبان داستان را متناسب با جنسیت شخصیت‌ها بیافریند. نمونه‌هایی از سوگندواژه‌های زنان و مردانه: تو را به خدا (۷۰، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۵۷، ۲۵۴، ۲۱)، به جدّت قسم (۲۷۲)، به خدا قسم (۲۵، ۲۹۰)، تو را به جان هرکس ... (۱۸۱)

۳-۳- رنگ‌واژه‌ها

زبان‌شناسان معتقدند زبان مردانه، جدی و کلی‌نگر و زبان زنانه احساسی و جزئی‌نگر است. در زبان زنانه، توجه به جزئیات و ترکیب کلی آن دقیق‌تر از زبان کلی‌نگر مردانه است. لیکاف (۱۹۷۵) رنگ‌واژه‌ها را مهم‌ترین زمینه‌ای می‌داند که جزئی‌نگری زبان زنانه را منعکس می‌کند. او اظهار می‌دارد: «رنگ‌واژه‌هایی که از سوی زنان به کار برده می‌شوند، بسیار دقیق‌تر از رنگ‌واژه‌های مردانه است. به‌عنوان مثال، رنگ‌واژه‌هایی مانند قهوه‌ای روشن، بنفش کم‌رنگ عموماً از سوی زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد و به‌ندرت پیش می‌آید که به‌وسیله مردان به کار برده شود». (غفارثمر و دیگران، ۲۰۰۷: ۶۰)

بسیاری از پژوهش‌هایی که در عرصه نوشتار انجام شده است، نشان می‌دهد در متون زن نگاشته، جملات عمدتاً ساده و با حروف ربط به هم اتصال داده می‌شوند و از نظر توصیف جزئیات، بسیار دقیق‌تر از متون مرد نگاشته است. تحلیل و بررسی رنگ‌واژه‌ها در این پژوهش، نشان می‌دهد اولاً تعداد رنگ‌واژه‌های به کار برده شده از سوی شخصیت‌های زنان به مراتب بیشتر از شخصیت‌های

مردان بوده است ثانیاً تنوع رنگ‌واژه‌های مورد استفاده زنان از مردان گسترده‌تر می‌باشد. خسرو نژاد نیز در پژوهش خود که به بررسی و مقایسه ده داستان کوتاه فارسی و انگلیسی پرداخته است، نشان می‌دهد که تعداد و تنوع رنگ‌واژه‌ها در متون زن نگاشته، چه در فارسی و چه در انگلیسی، بیشتر است.

پژوهش در رمان مذکور نشان می‌دهد رنگ‌واژه‌هایی چون طلایی (۴۲)، زرد طلایی (۶۷)، صورتی (۲۲۲)، گل‌بهی (۲۵۷)، آبی فیروزه (۲۶۵)، عسلی (۳۱۹) و ارغوانی و سربی عمدتاً از زبان زنانه و رنگ‌های پرکاربرد از جمله سیاه، سفید، سبز، سرخ و ... از زبان مردانه صورت گرفته است. جدول ۳. میزان رنگ‌واژه‌ها در رمان مطالعه شده

رنگ‌واژه‌ها	شخصیت زن	شخصیت مرد	کل
	۳۹	۱۷	۵۶

مقایسه فراوانی کاربرد رنگ‌واژه‌ها در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، رنگ‌واژه‌های به کار برده شده در زبان زنانه با ۷۰ درصد از رنگ‌واژه‌های به کار برده شده در زبان مردانه با ۳۰ درصد بیشتر است از این لحاظ با نظریات زبان‌شناسان مطابقت دارد و نویسنده، زبان شخصیت‌های داستان را از حیث کاربرد رنگ‌واژه‌ها به درستی به کار گرفته است.

۳-۴- تعدیل‌کننده‌ها

تعدیل‌کننده‌ها، صورت‌های زبانی هستند که عدم اطمینان گوینده را بیان می‌کنند. برای مثال عباراتی مانند فکر می‌کنم، به نظرم، گمان می‌کنم، همان‌طور که می‌دانید، ممکن است، شاید، احتمالاً و ... نمونه‌هایی از تعدیل‌کننده‌ها محسوب می‌شوند. زبان‌شناسان، تعدیل‌کننده‌ها را از کلیشه‌های گفتاری زنان می‌دانند. لیکاف (۱۹۷۵) اظهار می‌دارد: «گویشوران زن بیشتر از گویشوران مرد از تعدیل‌کننده‌ها استفاده می‌کنند. او سبب گرایش زنان به استفاده از تعدیل‌کننده‌ها را نحوه خاص اجتماعی شدن آن‌ها می‌داند. او عقیده دارد، زنان در فرایند اجتماعی شدن، یاد می‌گیرند که بیان و اظهار قاطع و با اطمینان، خصیصه شایسته یک زن نیست و قدرت فقط مختص مردان است» (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۹-۱۰۸).

فیشرمن (Fishman - ۱۹۸۳) نیز، استفاده بیشتر از تعدیل‌گرها را توسط زنان تأیید کرده است؛ ولی معتقد است سبب گرایش زنان به کاربرد تعدیل‌گرها جلب توجه مخاطب است؛ زیرا در

مکالمات مختلط، مردان کمترین توجه را نسبت به گفته‌های زنان نشان می‌دهند. گوتس نیز این عقیده را تأیید کرده، می‌گوید: «زنان بیشتر به این دلیل از تعدیل گرهایی همانند «شما می‌دانید» استفاده می‌کنند که مردان برخلاف زنان، قادر به انجام واکنش و پاسخ مناسب مبنی بر تأیید گفتارهای زنان نیستند.» (خسرو نژاد، ۱۳۸۶: ۱۹-۲۰)

در زبان فارسی، پژوهشی مستقل درباره کاربرد تعدیل‌کننده‌ها در بین گویشوران زن و مرد انجام نشده است. ولی پژوهش خسرو نژاد (۱۳۸۶) که بر روی متون نوشتاری فارسی و انگلیسی انجام شده، نشان می‌دهد، فراوانی کاربرد تعدیل‌گرها در داستان‌های زن نوشته، بسیار بیشتر از داستان‌های مرد نوشته است.

جدول شماره ۴ میزان تعدیل‌کننده‌ها در رمان سمفونی مردگان

جنسیت	شخصیت زن	شخصیت مرد	کل
تعدیل‌کننده‌ها	۴۱	۱۲۱	۱۶۲

مقایسه استفاده از تعدیل‌گرها در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، فراوانی استفاده از تعدیل‌کننده‌ها در مکالمات مردانه با ۷۵ درصد و مکالمات زنانه با ۲۵ درصد برخلاف نظرات لیکاف، فی‌شمن و سایر پژوهش‌های زبان‌شناسی است و کاربرد تعدیل‌گرها در مکالمات شخصیت‌های این رمان به درستی به کار نرفته است؛ و نویسنده نتوانسته است تعدیل‌گرها را متناسب با جنسیت شخصیت‌ها به کار ببرد.

نمونه‌های تعدیل‌گرها: خیال می‌کردم (۱۶)، نمی‌دانم (۴۵، ۱۳۱، ۲۲۷، ۲۳۷)، به نظر می‌آمد (۴۷)، به گمانم (۵۱ و ۶۶ و ۲۱۵)، به نظر من (۱۸۴) احتمال دارد (۱۲۱)، شاید (۱۰۰، ۲۰۲، ۲۱۰)، خیال می‌کنم (۲۵۲، ۲۲۲)، فکر می‌کنم و ...

۳-۵- تصدیق‌گرها

تصدیق‌گرها (یا پاسخ‌های کوتاه) به عباراتی گفته می‌شود که نشان‌دهنده توجه مثبت شنونده نسبت به گوینده است. شنونده در مکالمه نقش فعالی را بازی می‌کند و «استفاده از تصدیق‌گرهایی، مثل «آها، بله، درسته، آره، خب، و ...» همانند مختصه‌های فرازبانی لبخند زدن یا سر تکان دادن، نشانگر دقت و توجه فعال است.» (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۰)

مطالعات انجام شده در زبان انگلیسی توسط کریستال (Crystal, ۱۹۷۵) نشان می‌دهد که در جامعهٔ زبان انگلیسی، زنان بیشتر از مردان از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند؛ زیرا آن‌ها مشارکت فعال‌تری در مکالمات دارند و برای تداوم گفتگو بیشتر تلاش می‌کنند. تصدیق‌گرها هرچند معمولاً به صورت کلماتی، مانند «آهان، بله، خب، درسته» مطرح می‌شوند، ولی چون این عبارات، معنی و مفهوم جمله را دارند و معنی «کلام شما درست است» از آن برداشت می‌شود، ما آن‌ها را در حوزهٔ جملات قرار داده‌ایم. پژوهش‌های زبان فارسی نیز این فرضیه را تأیید می‌کنند؛ چنان‌که طبق یافته‌های جان نژاد، زنان در ۷۰/۴ و مردان در ۲۹/۶ درصد موارد، از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند.

جدول شماره ۵ میزان تصدیق‌گرها در رمان سمفونی مردگان

جنسیت	شخصیت زن	شخصیت مرد	کل
تعداد تصدیق‌گرها	۲۳	۹۳	۱۱۶

بررسی تصدیق‌گرها در این رمان نشان می‌دهد. میزان استفادهٔ شخصیت‌های مرد با ۸۰ درصد از تصدیق‌گرها، بیشتر از زنان با ۲۰ درصد بوده است. مقایسهٔ شواهد به دست آمده از این رمان طبق جدول شماره ۵ با پژوهش‌ها و نظریات زبان‌شناسی نشان می‌دهد که تصدیق‌گرها به درستی در مکالمات شخصیت‌های زن و مرد به کار برده نشده و نویسنده نتوانسته است زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها به کار گیرد. نمونه‌هایی از کاربرد تصدیق‌گرها در مکالمات این رمان: آره (۴۱)، خیلی خوب (۷۰ و ۱۸۱ و ۲۹۸)، آره بابا (۱۰۵، ۱۹۰)، خوب است (۱۶۷)، راست می‌گویی (۲۱۴)، درست می‌گویی (۲۹۱)، بله (۱۲۹، ۱۸۳، ۲۰۶، ۲۶۳) و ...

۳-۶- کلام آمرانه و دستوری

زبان‌شناسان، زبان مردانه را قدرتمندانه و آمرانه و زبان زنانه را حمایت‌طلبانه و مشارکت‌گرا توصیف می‌کنند؛ و مردان در صحبت با زیردستان خود معمولاً سلطه‌طلب و به دنبال برتری و غلبهٔ خود بر دیگران هستند اما زنان در مکالمات خود به دنبال برقراری تعامل و ارتباط مثبت با دیگران هستند. «دستورات مردانه که به صورت مستقیم بیان می‌شود و با تحکم شدید همراه است، امر تشدید می‌شود و دستورات زنانه که بیشتر به صورت پیشنهادی و غیرمستقیم مطرح می‌شود امر تعدیلی نام‌گذاری شده

است. برای نمونه «برو بیرون!» امر تشدید یا کلام تشدید؛ و «ناراحتم نکن» امر تعدیلی و محترمانه محسوب می‌شود. (خسرو نژاد، ۱۳۸۶: ۱۹)

«زبان‌شناسان سبب گرایش زنان به صورت بیش از حد مودبانه را قرار داشتن آنان در شرایط نابرابر اجتماعی می‌دانند و همین نابرابری اجتماعی، سبب وجود تردید و انقیاد در زنان می‌شود و نیز باعث می‌شود که کمتر صورت‌های آمرانه مستقیم را که بیانگر جسارت و قاطعیت است، به کار گیرند.» (نوشین فر، ۱۳۸۱: ۱۸۶) و غفار ثمر در این خصوص می‌نویسد: «زبان زنان مودبانه و زبان مردان برای کسب جایگاه بالاتر، قاطعانه و قدرتمندانه است البته سطح تحصیلات و جایگاه اجتماعی افراد، تعیین‌کننده غلبه و تفوق در گفتگو است نه صرفاً جنسیت.» (۲۰۰۷: ۶۱)

مطابق نظریات زبان‌شناسان پژوهش‌هایی که در زبان فارسی انجام شده، استفاده بیشتر مردان از صورت‌های آمرانه را تأیید کرده است. «گویشوران مرد به میزان ۷۷/۵ درصد و زنان ۲۲/۵ درصد در مکالمات خود از کلام آمرانه استفاده می‌کنند.» (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۵)

جدول شماره ۶: میزان کلام آمرانه در رمان سمفونی مردگان

جنس	نوع کلام	آمرانه تشدید	آمرانه تعدیلی	کل
جنسیت زن	۱۴	۳۶	۵۰	
جنسیت مرد	۶۱	۹۰	۱۵۱	
کل	۷۵	۱۲۶	۲۰۱	

داده‌های مربوط به استفاده از زبان آمرانه در این رمان نشان می‌دهد میزان کاربرد کلام آمرانه مردانه ۷۵ درصد و کلام آمرانه زنانه ۲۵ درصد است؛ و نویسنده در کاربرد صورت‌های آمرانه با نظریات زبان‌شناسان بسیار موفق عمل کرده است.

نمونه‌های کلام آمرانه تشدید: بلند شو برو (۱۴)، تو دخالت نکن (۲۸)، خفه شو (۳۰)، اراجیف نیاور (۳۹)، بس کن (۳۹)، بحث نکن (۳۹)، حق ندارید (۱۵۱) و ...

نمونه‌های کلام آمرانه تعدیلی: زنجیرم نکن (۱۶)، تعارف نکن (۱۶۷)، یک مدّت اینجا بمان (۱۸۰)، اقلّاً یک چادر بینداز به سرت (۳۰۶) و ...

۳-۷- صفات عاطفی

زبان‌شناسان، سبک گفتاری مردان را عقلانی، منطقی و پیچیده و سبک گفتاری زنان را احساسی و ساده توصیف می‌کنند. آن‌ها بر این عقیده هستند که: «زنان بیشتر از قیدها و صفات عاطفی که بار

احساسی بیشتری دارند، استفاده می‌کنند و کمتر جملات و ساخت‌های مرکب را در گفتارشان به کار می‌برند». (فارسیان، ۱۳۷۸: ۱۹)

«سپرسن معتقد است زنان در استفاده از بعضی صفات، مانند خوشگل، زیبا، خوب افراط می‌کنند. لیکاف هم استفاده از صفاتی، مانند شیرین، ملیح، قشنگ و ... را مخصوص زنان می‌داند. ولفسون و مانیس هم در پژوهش خود دریافته‌اند، صفت «بزرگ» رایج‌ترین صفتی است که به وسیله مردان به کار برده می‌شود و صفت «زیبا» هم به وسیله مردان و هم زنان استفاده می‌شود» (خسرونژاد، ۱۳۸۶: ۱۸).

بر اساس نظریه‌های زبان‌شناسی، عملکرد زنان بیشتر بر مبنای احساسات و هیجانات به جای عقلانیت و منطق است و بیشتر از صفات تخمینی یا سنجشی، مانند شگفت‌انگیز، محبوب، مجلل و قیود تقریبی، مانند احتمالاً، شاید، حدوداً و ... استفاده می‌کنند.

جدول شماره ۷: پراکنندگی صفات عاطفی در رمان سمفونی مردگان

جنسیت	جنسیت زن	جنسیت مرد	کل
تعداد صفات	۱۷	۹	۲۶

طبق آمار جدول فوق، کاربرد صفات عاطفی در بین شخصیت‌های این رمان، حدود ۶۷ درصد در مکالمات زنان و ۳۳ درصد در مکالمات مردان صورت گرفته است و مقایسه آن با نظریات سپرسن، لیکاف و پیستون نشان می‌دهد صفات عاطفی در این رمان به درستی به کار برده شده و نویسنده توانسته است زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها ایجاد کند.

نمونه‌هایی از صفات عاطفی در این رمان:

عزیزم (۲۶۶)، خوشگل (۵۱ و ۱۳۶ و ۲۸۴)، زیباتری (۱۴۰)، قشنگی (۲۰۱) و ...

نتیجه‌گیری

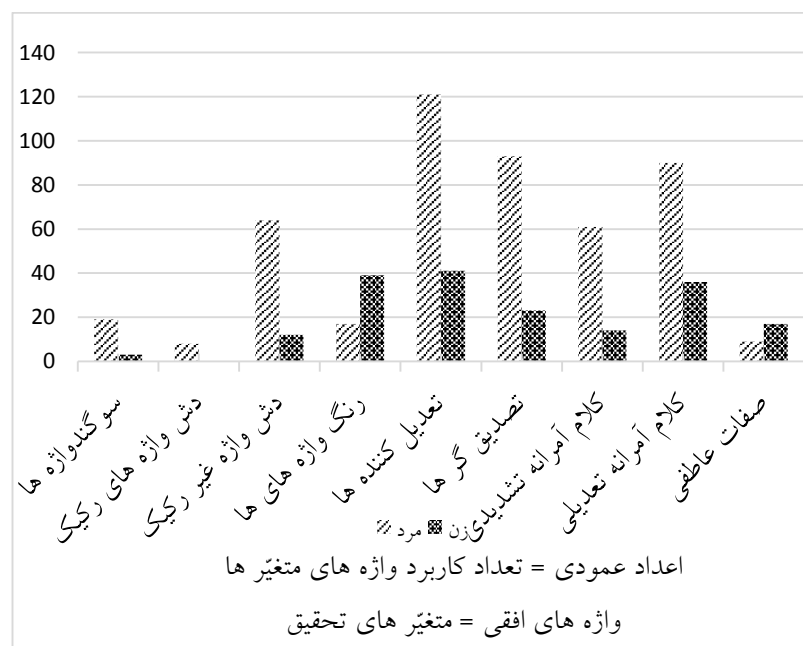
مطالعات انجام‌شده در حوزه واژگان در رمان سمفونی مردگان نشان می‌دهد آمار به دست آمده از کاربرد دش‌واژه‌ها (رکیک و غیر رکیک) توسط شخصیت‌های رمان سمفونی مردگان با مطالعات زبان‌شناسی مطابقت می‌کند. در کاربرد سوگندواژه نیز آمار حاصله، حاکی از آن است که نویسنده به خوبی این عنصر زبانی را شناخته و از آن به درستی بهره برده است. نویسنده در زمینه استفاده از رنگ‌واژه‌ها، توانسته است زبانی مطابق با قوانین علمی زبان‌شناسی و متناسب با جنسیت

شخصیت‌ها به کار برد. با این تفاوت که مردان بیشتر از رنگ‌واژه‌های اصلی و ساده و زنان اغلب از رنگ‌واژه‌های خاص استفاده کرده‌اند.

کاربرد تعدیل‌گرها و تصدیق‌گرها در مکالمات شخصیت‌های این رمان به درستی به کار نرفته است؛ و نویسنده نتوانسته است تعدیل‌گرها و تصدیق‌گرها را متناسب با جنسیت شخصیت‌ها به کار برد و آن را مغایر با قوانین زبان‌شناسی به کار برده است.

متغیرهای زبانی کلام آمرانه و دستوری کاملاً با معیارهای پژوهشگران در حوزه زبان و جنسیت مطابقت دارد و نیز صفات و واژه‌های عاطفی در این رمان مرد نگاشته، با اختلاف اندکی می‌توان گفت تا حدودی مطابق قوانین علمی زبان‌شناسی است. شواهد این رمان نشان می‌دهد، زنان از صفات عاطفی بیشتر استفاده کرده‌اند که مقایسه آن با نظریات یسپرسن، لیکاف و پیتون نشان می‌دهد صفات عاطفی در این رمان به درستی به کار برده شده و نویسنده توانسته است زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها ایجاد کند.

نمودار نهایی متغیرها در رمان سمفونی مردگان



منابع

- برزگر آق‌قلعه، عبدالحسین (۱۳۷۸). جنسیت و تفاوت واژگان معیار به کار رفته در ادبیات داستانی معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- تراد گیل، پیتز (۱۳۷۶) زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه، ترجمه: دکتر محمد طباطبایی، تهران، آگه.
- جان‌نژاد، محسن (۱۳۸۰) زبان و جنسیت. پژوهشی زبان‌شناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- خسرونژاد، عبدالله (۱۳۸۶) نقش عوامل جنسیتی در تجزیه و تحلیل محتوایی متون داستان کوتاه انگلیسی و فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- رضوانیان، قدسیه و ملک، سروناز (۱۳۹۲) «بررسی تأثیر جنسیت بر زبان زنان شاعر معاصر، مجله شعرپژوهی» بوستان ادب، دانشگاه شیراز. سال پنجم. شماره سوم، صص ۴۵-۷۰.
- علی‌نژاد، بتول (۱۳۸۱). «مبانی شناختی مقوله جنس در زبان فارسی». نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، ۱۷، صص ۸۱-۱۰۴.
- غذامی، عبدالله (۱۳۸۷). زن و زبان، ترجمه هدی توده تبار، تهران، گام نو.
- فارسیان، محمدرضا (۱۳۷۸). جنسیت در واژگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کاظمی، فروغ. (۱۳۸۹) «زبان زنان» فصلنامه پازند، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، صص ۱۱۵-۱۰۱.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- معروفی، عباس. (۱۳۹۴). سمفونی مردگان. چاپ ۱۹، تهران: ققنوس.
- نوشین‌فر، ویدا. (۱۳۷۴). زبان، جنسیت و اجتماع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، به راهنمایی دکتر مهدی مشکوه‌الدینی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- نوشین‌فر، ویدا. (۱۳۸۱). «زبان و جنسیت»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، ۲، صص ۱۸۱-۱۸۸.
- یوسفی، محمد (۱۳۹۱) تحلیل جامعه‌شناختی شخصیت در دو رمان سال بلوا و سمفونی مردگان از عباس معروفی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند.
- Ghaffar Samar, Reza & Alibakhshi, Goodarz (2007). The Gender Linked Differences in the Use of Linguistic Strategies in Face-to-face Communication. Linguistics Journal, Volume 3, Issue 3, pp. 59-71.
- Lakoff, R. (1975). "Language and Women's Place", New York, Harper & Row.